

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱۹

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال دهم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۹۶

واکاوی هنر ناپسند از دیدگاه نهج البلاغه به عنوان شاخصی برای تعیین چارچوب‌های هنر در تمدن نوین اسلامی

محمد خراسانی زاده^۱

پرویز اقبالی^۲

چکیده

به منظور تعیین چارچوب و ویژگی‌های هنر در تراز تمدن نوین اسلامی، لازم است معیارها و ملاک‌هایی برای سنجش میزان همخوانی آثار هنری با اندیشه‌ها و رویکردهای اسلامی وجود داشته باشد. هدف اصلی این پژوهش یافتن «نبایدهای هنر» در تمدن نوین اسلامی است و سؤال اصلی‌اش این است که کدام نوع از هنرها در نگاه امام علی (ع) مورد مذمت واقع شده و در تمدن نوین اسلامی نباید به آن‌ها پرداخته شود؟ به همین منظور، گفتار و نوشتار امام علی (ع) در نهج البلاغه مورد واکاوی قرار گرفت تا نگاه ایشان - که در واقع همان نگاه اسلام به موضوعات است - در زمینه هنر استخراج گردد. با عنایت به این که هنر و آثار هنری به مفهوم امروزی‌اش در صدر اسلام کارکرد محدودی داشته است، با روش توصیفی و با تحلیل کلام ایشان، هشت روایت که مشخصاً با نگاه سلبی به حیطه‌های هنر ناپسند و مذموم پرداخته بود، احصا شد و در چهار گروه، دسته‌بندی گردید تا به عنوان شاخصی برای تعیین چارچوب‌های هنر در تمدن نوین اسلامی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این چهار گروه هنر مذموم و ناپسند عبارتند از

۱. دانشجوی دکتری رشته پژوهش هنر گرایش تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی دانشکده هنر دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول) (HonareNab@gmail.com).

۲. استادیار گروه ارتباط تصویری دانشکده هنر دانشگاه شاهد (eghbali@shahed.ac.ir).

هنر به مثابه ابزار تکبر و فخر فروشی، هنر فریب دهنده و گمراه کننده، هنر مبتنی بر دنیا طلبی و نهایتاً هنر عامل گناه و هوسرانی. چنانچه با معیار اجتناب از هنر نکوهش شده توسط حضرت امام علی علیه السلام به آثاری که امروزه ذیل هنر اسلامی مطرح شده اند، بنگریم، شاید بخشی از آن ها جزو آثار هنری مذموم قرار گیرند و با این روش می توان باب تازه ای در تعالی محتوای هنر اسلامی و احصای هنرهای هنر در تمدن نوین اسلامی گشود.

واژگان کلیدی

هنر، هنر ناپسند، امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، تمدن نوین اسلامی.

مقدمه

وقتی از «تمدن نوین اسلامی» سخن به میان می آید، می بایست ممیزات و مؤلفه های آن در زمینه های مختلف فرهنگی، هنری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی، زیست محیطی و غیره تعیین و تبیین گردد تا بتوان این مفهوم آرمانی را به صورت یک واقعیت دست یافتنی و ملموس درک کرده و برای نیل به آن برنامه ریزی نمود.

یکی از این زمینه های بسیار مهم، عرصه هنر است که ضروری است کلیات آن در این تمدن ترسیم شود. به منظور تعیین چارچوب و ویژگی های هنر در تراز تمدن نوین اسلامی، لازم است معیارها و ملاک هایی برای سنجش میزان همخوانی آثار هنری با اندیشه ها و رویکردهای اسلامی وجود داشته باشد که قطعاً این ملاک ها با آن چه پیش از این، تحت عناوینی مانند هنر اسلامی، هنر دوران اسلامی، هنر تمدن اسلامی و یا هنر مسلمانان مورد بحث قرار گرفته است، تفاوت هایی خواهد داشت.

مبانی اساسی این هنر - مبتنی بر تمدن نوین اسلامی - را باید در پایه های اندیشه اسلامی که در قرآن و سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینان برحق ایشان تبیین شده، جست وجو نمود. البته در دوران ۲۳ ساله پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، اولویت هایی وجود داشت که فرصت و فضای پرداختن به عرصه هایی مثل هنر را از سوی ایشان محدود می ساخت، اما در سال های بعد و در زمان حضور جانشینان برحق ایشان، یعنی امامان معصوم علیهم السلام، برخی موضوعات به طور کامل تری مطرح شد و گنجینه ای از روایات را در زمینه های مختلف به یادگار گذاشت که اکنون می تواند راهگشای بسیاری از مطالعات در حوزه نگاه دین به مسائل مربوط به هنر باشد.

بیانات امیرالمؤمنین علی علیه السلام - دانش آموخته و تربیت یافته مستقیم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم - که در کتاب *نهج البلاغه* اثر سید رضی گردآوری شده، یکی از گنجینه‌هایی است که نمایانگر اندیشه‌های والای ایشان در زمینه‌های گوناگون و از جمله هنرمی باشد. هرچند هنر به معنای امروزی اش، در روزگار صدر اسلام کارکرد چندانی نداشته، اما قابلیت استخراج مفاهیم مورد نظر از متن *نهج البلاغه* وجود دارد. به واسطه محدودیت بیانات امام علی علیه السلام پیرامون هنر و آفرینش هنری، با هدف تعیین بخشی از حدود و چارچوب‌های هنر در تمدن نوین اسلامی، هنر ناپسند و مذموم در *نهج البلاغه* مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نبایدهای هنری و ناهنجاری‌های عرصه هنر در این تمدن را تبیین نماید.

اهمیت و ضرورت این مسئله از آن جا ناشی می‌شود که اگر مرزهای مشخص هنر در تمدن نوین اسلامی تعیین نشود و به جای پرداختن به «بایدها و نبایدها»، صرفاً به «بایدها» پرداخته شود، ممکن است هنر التقاطی شکل گیرد که بایدهای لازم را دارد، اما از نبایدها اجتناب نکرده است.

لذا هدف اصلی این پژوهش یافتن «نبایدهای هنر» در تمدن نوین اسلامی است و سؤال اصلی اش این است که کدام نوع از هنرها در نگاه امام علی علیه السلام مورد مذمت واقع شده و در تمدن نوین اسلامی نباید به آن‌ها پرداخته شود؟ به واسطه این که نوع این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است، این مقاله فاقد فرضیات است.

مرور پیشینه تحقیق

پیرامون ارتباط امام علی علیه السلام با هنر، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که بیشتر بر توانمندی‌های هنری حضرت اشاره داشته‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به کتاب کوچک *امام علی علیه السلام و هنر* اثر جواد محدثی از سری کتاب‌های *از چشم انداز امام علی علیه السلام* اشاره نمود که ویژگی‌های هنری شخصیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در حوزه هنر گفتاری و نوشتاری، موسیقی کلمات، صناعات ادبی، تصویرسازی بیانی، تمثیل، شعر و خوشنویسی مطرح نموده است. همچنین کتاب *امام علی علیه السلام و علم و هنر* نوشته محمد دشتی از مجموعه کتاب‌های *الگوی رفتاری* نیز در همین زمینه نگاشته شده است. پایان‌نامه «جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در نهج البلاغه» به کوشش مریم حاجی قاضی استرآبادی نیز به آفرینش‌های ادبی و هنر امام علی علیه السلام در حوزه فصاحت و بلاغت پرداخته است.

یکی دیگر از پژوهش‌هایی که تا حدی به موضوع این پژوهش مرتبط است، پایان‌نامه «بررسی مؤلفه‌های تمدن‌سازی اسلامی در نهج‌البلاغه و آموزه‌های علوی» به همت اعظم ناصریان خلیل‌آباد است که البته بیشتر به تمدن اسلامی پرداخته و نه تمدن نوین اسلامی.

در حوزه ارتباط میان هنر و تمدن نوین اسلامی نیز مقالاتی به رشته تحریر درآمده که از آن جمله می‌توان مقالات «تبیین ماهیت و ظاهر هنر اسلامی به عنوان عاملی موثر در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و جهانی شدن آن» اثر ناصر مقدم‌پور و «ضرورت گفتمان هنری در تمدن نوین اسلامی» به قلم صدیقه پورمختار را نام برد.

اما بحث و بررسی پیرامون نبایدهای هنر در تمدن نوین اسلامی و ویژگی‌های ناپسند و مذموم هنر در نهج‌البلاغه که در این پژوهش به آن پرداخته شده، سابقه‌ای نداشته و نگارنده برای این منظور مستقیماً به متن نهج‌البلاغه مراجعه کرده است.

مبانی نظری و روش تحقیق

از آن جایی که در برخی زمینه‌ها «خصوصیت هنر اسلامی براساس منع ایجاد شده است و مستشرقین و روشنفکران عرب و مسلمان، در این خصوص یعنی منع یا عدم پذیرش، در حال تحقیق هستند» (البهنسی، ۱۳۹۱: ۱۸) در این پژوهش، با هدف کشف معیارها و سنجه‌هایی که نگاه اسلام به هنر را تبیین می‌کند، به اشارات سلبی نهج‌البلاغه در مورد هنر پرداخته می‌شود تا هنر مذموم و ناپسند از نگاه امام علی (ع) مورد کاوش قرار گرفته و مشخص شود که هنر از نگاه ایشان چه ویژگی‌هایی «نباید» داشته باشد.

در این پژوهش، مقصود از هنر و زیبایی‌شناسی، تعاریف و کارکردهای فعلی آن است، نه آن چه در صدر اسلام کارکرد داشته و نه آن چه در ادبیات عمومی مطرح می‌شود. به عنوان نمونه از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شده که فرمود «چه زیباست فروتنی توانگران در برابر تهیدستان، برای دست یافتن به رحمت خداوند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۰۶)، در این جا علیرغم این که درباره زیبایی یک رفتار صحبت شده، اما در چهارچوب تعریف امروزی از زیبایی‌شناسی نمی‌گنجد. در مقابل، شاید هنرنجاری و ساخت منبر در صدر اسلام به عنوان یک پیشه مورد نظر بوده، اما امروزه این محصول و تزئینات آن به عنوان یک اثر هنری مورد بحث قرار می‌گیرد. بنابراین منظور از هنر در

این جا فرایندهایی است به خلق آثار هنری در قالب هنرهای تجسمی، نمایشی، معماری، ادبیات و موسیقی می انجامد.

نکته دیگر این است که این پژوهش مبتنی بر گفتار و نوشتاری از امام علی علیه السلام است که در **نهج البلاغه** گردآوری شده است، بنابراین می توان گفت هرچه درباره هنر ناپسند در **نهج البلاغه** وجود دارد، در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته، ولی سایر روایات حضرت در این جا مورد بحث قرار نگرفته اند.

این تحقیق بر پایه روش توصیفی و تحلیلی استوار است و با استفاده از منابع کتابخانه ای مربوط به موضوع، به رشته تحریر و تحلیل درآمده است. در این فرایند، نگارنده با مطالعه کامل و مذاقه بر **نهج البلاغه**، کلیه عبارات و جملاتی که می توانست دلالتی بر هنر داشته باشد را فیش برداری کرده و سپس طبق نیاز این پژوهش، عباراتی که به نفی و نهی و نکوهش هنر پرداخته بودند، دسته بندی ساخت. از این رهگذر، رویکرد و دلایل نکوهش برخی از زمینه های هنری از عبارات **نهج البلاغه** استخراج شده و سپس با مقایسه و تطبیق با منابع مشابه، در قالب پژوهش حاضر ارائه گردید.

بدنه اصلی تحقیق

۱. تمدن نوین اسلامی

رهبرانقلاب اسلامی، آیت الله خامنه ای که چشم انداز دست یابی به تمدن نوین اسلامی را مطرح کرده است، در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی در سال ۱۳۹۲، تمدن نوین اسلامی را این گونه برای عالمان جهان اسلام ترسیم می نماید:

این هدف نهایی (هدف بلندمدت برای بیداری اسلامی) نمی تواند چیزی کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد. امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره مندی انسان ها از همه ظرفیت های مادی و معنوی ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوبه نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در

دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کار و ابتکار، می توان و باید مشاهده کرد.

ایشان در همین جلسه، به ضرورت نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه هنر، به عنوان یکی از عرصه های مؤثر در تمدن سازی می پردازد:

نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه های مدرن تا هنر و سینما، و تا روابط بین الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن سازی است.

۲. لزوم بهره گیری از نهج البلاغه

مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از شعرای آئینی در سال ۱۳۹۰ درباره لزوم بهره مندی از منابع اصیلی مثل نهج البلاغه برای محتوای این تمدن بیان می دارد:

معارف بلند اسلامی و قرآنی را از خود قرآن و از نهج البلاغه و از بعضی از روایات اهل بیت علیهم السلام - روایات اصول کافی در بخش هایی - اخذ کنید. با این منابع، انس پیدا کنید... روایتی است در تحف العقول، که وصیت امام صادق علیه السلام است به عبدالله بن جندب... این روایت، پراز حکمت است. واقعاً همه چیزهایی که ما برای خلیقات شخصی مان، معاشرت های اجتماعی مان، فعالیت های عمومی مان و برای بنای تمدن اسلامی نیاز داریم، در این روایت و نظائرش پیدا می شود.

این بیانات، نمونه ای از تأکیدات ایشان بر استفاده از منابع اصیل مثل قرآن، نهج البلاغه و منابع روایی برای تبیین مؤلفه های تمدن سازی است.

۳. امام علی علیه السلام در جایگاه یک هنرمند

امام علی علیه السلام که بهترین الگوی دین داری و دین شناسی است، گاهی در قامت یک هنرمند تراز اول، در عرصه سخنوری و شعر و ادبیات و خطاطی، به آفرینش هنری دست می زند و گاهی نیز در قامت یک منتقد هنری با اشراف بر مبانی اسلامی، به نقد و بررسی هنرمی پردازد و ویژگی های هنرمورد نظر اسلام را برای همیشه تاریخ در لابه لای سخنانش بیان می دارد.

در توضیح هنرمندی حضرت امام علی علیه السلام باید گفت «معاویه که علی علیه السلام را بنیان گذار فصاحت برای قریش دانسته است، راست می گوید. اگر همه فصحای عرب در مجلسی گرد آیند و این خطبه (خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه) بر آنان تلاوت شود، همه در برابر

آن به سجده خواهند افتاد» (ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ۱۵۳)، همچنین «مرحوم علامه امینی در کتاب الغدير، وقتی به بیان سروده های شاعران درباره حادثه غدیر و فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام می پردازد، به عنوان تبرک از نام مقدس علی بن ابی طالب علیه السلام آغاز می کند که فصیح ترین عرب و داناترین مردم به مفاهیم کلام عرب است و اشعاری از او می آورد» (محدثی، ۱۳۸۴: ۴۵). در خصوص خطاطی نیز «دقت علی بن ابی طالب علیه السلام به چگونگی مرکب خطاطی و نوک قلم و فاصله سطور و نزدیکی حروف و ترکیب زیبای کلمات و نقشی که این امور در پدید آوردن زیبایی برای خط دارد، از این حدیث (حکمت ۳۱۵ نهج البلاغه) مشهود است و جلوه ای از روح هنری آن امام را نشان می دهد» (محدثی، ۴۹).

بنابراین دیدگاه امام علی علیه السلام نه صرفاً به عنوان روایت دینی، بلکه از قول هنرمندی که تجربه خلق آثار هنری و تبیین ویژگی های زیبایی شناسانه را داشته است، مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. در متن نهج البلاغه اشارات مختلفی به پدیده های مرتبط با هنر وجود دارد که هریک در حیطه خود قابل تحلیل و بررسی است؛ بخشی از این اشارات جنبه ایجابی داشته و در واقع تأییدکننده نوعی از آثار هنری است و بخش دیگری از آنها جنبه سلبی داشته و پدیده هنری را مورد مذمت یا نفی و نهی قرار داده است.

۴. دسته بندی هنر ناپسند در نهج البلاغه

مجموعه گفتار و نوشتار حضرت امام علی علیه السلام پیرامون هنر ناپسند، به شرح زیر قابل دسته بندی است:

۱. هنری که ابزار کبر و فخر فروشی باشد؛
۲. هنری که فریب دهنده و گمراه کننده باشد؛
۳. هنری که مایه دل بستگی به دنیا باشد؛
۴. هنری که وسیله گناه و هوسرانی باشد.

البته باید تصریح گردد که این اقسام بعضاً مرز شفاف با یکدیگر ندارند و ممکن است در موارد و مصادیقی دارای هم پوشانی باشند، مثلاً امکان دارد یک اثر هنری هم مایه کبر باشد و هم عامل گمراهی. اما به نظر می رسد تمام نکاتی که در باب هنر ناپسند در نهج البلاغه بحث شده است، در دسته بندی فوق می گنجد.

در ادامه براساس همین دسته بندی، کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه را با

ترجمه علی شیروانی مرور خواهیم نمود. خاطرنشان می‌سازد با هدف گزیده‌گویی، متن عربی بیان نشده و هم‌چنین تنها بخشی از عبارات که کاملاً در حیطه موضوع این پژوهش بوده، درج شده و از بیان کل خطابه یا روایت خودداری شده است.

الف) هنر به مثابه ابزار تکبر و فخر فروشی

یکی از موضوعاتی که با اشاره به آثار هنری مورد نکوهش قرار گرفته، تکبر و فخر فروشی است که مصداق آن در ادامه ذکر شده است.

در بخشی از خطبه ۱۹۲ نهج‌البلاغه، پس از نکوهش کبر و غرور و تعصب، آمده است:

موسی بن عمران همراه برادرش هارون - درود خداوند برایشان باد - بر فرعون درآمدند، در حالی که جامه‌ای پشمینه بر تن و عصایی به دست داشتند و با فرعون شرط کردند که اگر اسلام آورد، حکومتش باقی و عزتش پایدار باشد، اما فرعون (رو به مردم نمود و) گفت: «از این دو تن تعجب نمی‌کنید که پایداری و عزت و بقای حکومت را با من شرط می‌کنند، در حالی که آنان خود در تنگدستی و خواری‌ای هستند که می‌بینید. چرا دستبندهایی از طلا به آنان داده نشده است؟». فرعون این سخن را از آن رو گفت که طلا و جمع کردن آن را عظیم می‌شمرد و جامه پشمینه و به تن کردن آن را کوچک و حقیر می‌انگاشت. در حالی که اگر خدای سبحان هنگام بعثت پیامبرانش می‌خواست درب گنج‌های طلا و معادن زرناب و باغ‌های سرسبز را به روی ایشان بگشاید و پرندگان آسمان و جانوران زمین را با آنان همراه سازد، هر آینه چنان می‌کرد (و برای او انجام آن سهل و آسان بود).

«موسی و هارون مخصوصاً با لباس و عصای خشن چوپانی وارد بر فرعون شدند تا از یک سو خیال بافی‌های او و اطرافیانش را درباره این که شخصیت در گرو مال و ثروت و زر و زینت است، در هم بشکنند و از سوی دیگر اعلام دارند دوران آن گونه زندگی پایان یافته و دوران جدیدی از حکومت الهی با کمک مستضعفان آغاز شده است... آری! نظام ارزشی دستگاه فرعون بر همین محور می‌چرخید؛ آنها که زر و زیور و ثروت بیشتری داشتند، شخصیت والاتری نصیب‌شان شده بود و پشمینه پوشان پابره‌نه، افراد پست و پلیدی شمرده می‌شدند. یعنی ارزش‌های انسانی و درون‌ذاتی کمترین نقشی در بیان شخصیت افراد در آن نظام نداشت و تنها ارزش‌های اعتباری و پنداری و برون‌ذاتی محور شخصیت بود» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۰).

اشاره به «دستبنده طلا» در قرآن کریم نیز با همین تعبیر به کار رفته است؛ در آیه ۵۳

سوره زخرف، موضوع حضور حضرت موسی و هارون علیه السلام در کاخ فرعون مطرح شده و در ذکر سخنان فرعون آمده است:

(اگر موسی، عزت، سربلندی، کرامت و شخصیت داشت) پس چرا دستبندهای زرین و طلا بر او آویخته نشده است؟ یا چرا فرشتگانی (برای اثبات نبوتش) همراه او نیامده اند؟ (قرآن کریم)

در تفسیر این آیه:

می‌گویند فرعونیان عقیده داشتند که رؤسا باید دستبند و گردنبند طلا زینت خود کنند، لذا از این که موسی چنین زینت آلاتی همراه نداشت، و به جای آن لباس پشمینه چوپانی در تن کرده بود، اظهار تعجب می‌کنند و چنین است حال جمعیتی که معیار سنجش شخصیت در نظر آنها طلا و نقره و زینت آلات است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰).

بنابراین آثار هنری چه جنبه نمادین داشته باشند ـ مانند دستبند زرین که نماد طبقه اشراف در مصر باستان بوده است ـ چه جنبه تزئینی داشته باشند، اگر با هدف فخرفروشی خلق شده باشند، در نگاه اسلامی مورد مذمت و نکوهش قرار خواهند گرفت.

(ب) هنر فریب دهنده و گمراه کننده

نوع دیگری از هنر که مورد سرزنش و نفی قرار گرفته، هنری است که ابزار نفاق و فریب و گمراهی باشد و به واسطه آن، جای حق را با باطل عوض نموده و پدیده‌های شیطانی را به عنوان پدیده‌های الهی به تصویر می‌کشد.

امام علی علیه السلام در بخشی از خطبه ۱۹۴ پس از بیان ویژگی‌های منافقین می‌فرماید:

(منافقین) برای هر حقی، باطلی فراهم ساخته و برای هر راستی یک کژی و برای هر زنده‌ای، کشته‌ای، و برای هر دردی کلیدی و برای هر شیبی چراغی مهیا نموده‌اند. برای رسیدن به آن چه در آن طمع بسته‌اند، اظهار نومیدی و بی‌نیازی می‌کنند، تا بازارهای شان را برپا دارند و کالاهای بی‌ارزش و به ظاهر آراسته خود را به فروش رسانند. سخن می‌گویند تا مردم را به اشتباه اندازند و توصیف می‌کنند تا باطل را با آن بیارایند و حق را زشت و کریه سازند. راه گمراهی را هموار می‌سازند و راه تنگ حق را کج و پیچیده جلوه می‌دهند. اینان یاوران شیطان و زبانه‌های آتشند.

ایشان در نامه ۷ در پاسخ به معاویه می‌نویسد:

پندنامه‌ای با جمله‌هایی برپافته از توبه من رسید، نامه‌ای آراسته که آن را به گمراهی مزین کرده‌ای و از روی بداندیشی به سوی من فرستاده‌ای.

واژه «موصّله» یعنی سخنی که از حرف‌های مردم گرفته شده و با انشایی زیبا نوشته باشند و امام آرایشی را که معاویه به سخنان خود داده بود، از گمراهی وی دانسته است، زیرا رنج‌هایی را که در مرتّب ساختن نوشته خود به منظور اندرز دادن به امام تحمل کرده بود، به این دلیل بود که اعتقاد داشت خودش برحق و امام برخطاست، و روشن است که این عقیده، گمراهی و انحراف از مسیر الهی می‌باشد و نیز چون از روش نامه‌نگاری بیگانه بوده و نمی‌توانسته کلمات به جا به کاربرد، سخنش با وصله‌های نامناسب و آرایش جاهلانه تنظیم یافته بود، و به این علت اثر تکلف در به کار بردن کلمات وی مشاهده می‌شد، به این دلیل حضرت نامه وی را برخاسته از گمراهی‌اش دانسته است (بحرانی).

انواع و اقسام هنرها از هنرهای ادبی تا هنر تزئینی و تجسمی و نمایشی و غیره، در صورتی که هدف‌شان تغییر واقعیت و فریب مخاطب باشد، مورد نکوهش امیرالمؤمنین علی علیه السلام قرار می‌گیرند.

ج) هنر مبتنی بر دنیا طلبی

نفی دنیا طلبی و وابستگی به دنیا یکی از خطوط بسیار شفاف و روشن و پرتکرار در بیانات امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. ایشان بارها بر موقتی و زودگذر بودن دنیا و در مقابل آن، جاودانگی و اصالت داشتن آخرت تأکید کرده‌اند و شیفتگان دنیا را مورد نکوهش قرار داده‌اند. در همین راستا هنری که در خدمت دنیا طلبی و ایجاد وابستگی به دنیا باشد را نیز مذموم دانسته‌اند که بیانات ایشان در این زمینه بدین شرح است.

خطبه ۱۲۸ نهج البلاغه در سال ۳۶ هجری، پس از جنگ جمل در بصره بیان شده است و در آن از حوادث سختی که در بصره روی خواهد داد، خبر می‌دهد. در ابتدای خطبه به قیام صاحب زنج که حدود دو بیست سال بعد، بردگان را به دور خود جمع کرد و کشتار فجیعی به راه انداخت، اشاره می‌کند و سپس می‌فرماید:

وای بر کوچه‌های آباد و خانه‌های زینت شده بصره که سایبان‌هایی مثل بال کرکس و ناودان‌هایی مثل خرطوم فیل دارد! ... من دنیا را به رو بر زمین کوبیده‌ام و اندازه و ارزشش را دانسته‌ام و با چشمی که در خور آن است به آن نگریسته‌ام.

«امام از نابودی اماکن بصره و خانه های آراسته و پرنقش و نگار آنها خبر می دهد، و برای خانه های آن ها واژه أجنحه (بال ها) را استعاره فرموده است، و منظور از آن بالکن ها یا کنگره هایی است که از چوب و بوری ساخته می شده، که از سقف بام بیرون بوده، و مانند حفاظی برای ساختمان بلند و دیوارها از اثرات باران بوده است و این ها در شکل و وضع از هرچه بیشتر به بال پرندگان بزرگ مانند کرکس شباهت داشته است، هم چنین واژه خرطوم پیلان را برای ناودان هایی استعاره فرموده، که آن ها را از شاخه درخت خرما مانند خرطوم فیل می ساخته اند، و روی آن قیر مالیده می شده است و طول آنها نزدیک به پنج ذرع یا بیشتر می رسیده که نیز برای حفظ دیوارها از آسیب سرازیر شدن آب از پشت بام به پایین آویزان می شده و هرچه بیشتر به خرطوم فیل شباهت داشته است.» (بحرانی)

«از تعبیرات فوق به خوبی استفاده می شود که بصره در آن زمان بسیار آباد بوده (هر چند بردگان در نهایت بدبختی و عسرت زندگی می کردند)، خانه های آنها هم چون قصرهایی بوده که بالکن ها و سایه بان های زیبا و ناودان های خرطوم مانند جالب، بر زیبایی آن می افزوده است و چنان که خواهد آمد، همه این ها با شورش صاحب الزنج به ویرانی کشیده شد و صاحبان آن قصرهای زیبا در خاک و خون غلطیدند» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۰).

«تمام بدبختی دنیا پرستان آن است که دنیا را به طور صحیح ارزیابی نمی کنند و با چشم دیگر به آن می نگرند و سردرپای آن می نهند و همه چیز خود را در راه آن قربانی می کنند. اما این که این جمله چه ارتباطی با جمله های قبل درباره خطرات و فسادهای صاحب الزنج می تواند داشته باشد، شارحان معروف نهج البلاغه به توضیح این مطلب پرداخته اند، ولی ممکن است ارتباط از این نظر باشد که مردم بصره به خاطر دنیا پرستی به آن روز افتادند، قصرها را آباد و خانه ها را پرزرق و برق و زندگی خود را مملو از اسراف و تبذیر کردند، در حالی که بردگان زیادی در شهر آن ها و در مزارع اطراف در بدترین حالات زندگی داشتند و بلاهای وحشتناکی که بر سر آن ها از طرف زنگیان می رسد، نتیجه اعمال خود آن ها است» (همو).

در بخشی از خطبه ۱۶۰، در وصف دیدگاه پیامبر اسلام ﷺ به زینت دنیا می فرماید:

پرده ای با نقش و نگار بر در خانه اش آویخته بود. (پیامبر اسلام ﷺ) به یکی از همسرانش فرمود: ای فلانی این پرده را از جلوی چشمم دور کن که هرگاه آن را می بینم به یاد دنیا و زینت های آن می افتم. پیامبر ﷺ دل خویش را از دنیا کننده و به آن پشت کرده و خاطره آن را در ذهنش گشته بود و دوست داشت زینت و زیور

دنیا از دیده‌اش دور باشد، تا از آن جامه فاخر بربگیرد، جایگاه قرار و آرامشش ندادند و به ماندن در آن امیدوار نگردد. دنیا را از دل خود بیرون کرد، از قلبش دور ساخت و از دیده‌اش پنهان نمود. آری، کسی که چیزی را دشمن داشته باشد، از این که آن را بنگرد و نزدش یاد شود نیز بیزار است. در سیره رسول خدا ﷺ آموزه‌هایی وجود دارد که بدی‌ها و عیب‌های دنیا را به تونشان می‌دهد. زیرا پیامبر ﷺ و خانواده‌اش در دنیا گرسنه بودند و با تقرب فراوانش به درگاه احدیت، زینت و زیور دنیا از او دور شده بود.

«جمله «وَيَكُونُ السَّيْرُ...» اشاره به داستانی است که از عایشه نقل شده که پرده‌ای پر نقش و نگار و دارای عکس موجودات ذی روح تهیه کرده بود و بر در اتاق آویخته بود. پیامبر ﷺ از دیدن آن ناراحت شد، چرا که جنبه زینتی داشت و فرمود: دیدن آن، مرا به یاد دنیا و زرق و برق آن می‌اندازد و دستور داد آن را فوراً برداشتنند» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۰).

ابن ابی الحدید نیز معتقد است:

در اخبار صحیح نهی از تصویر و نصب کردن پرده‌هایی که در آنها اشکال و صورت‌ها به کار رفته، آمده است و هرگاه پیامبر ﷺ پرده‌ای می‌دید که در آن نقش و نگار بود، فرمان می‌داد سرهای آن صورت‌ها را جدا کنند (ابن ابی الحدید).

در نامه ۳ نهج البلاغه، پس از خبردار شدن از این که شریح پسر حارث که قاضی بود، خانه‌ای به ارزش هشتاد دینار خریده است، امام علی علیه السلام خطاب به او متنی می‌نویسد و گویی قباله‌ای طعنه آمیز برای وی تنظیم می‌کند که بخشی از آن به این شرح است:

هرزبانی که بر این خریدار در آن چه خریده وارد شود، بر عهده خراب کننده بدن‌های پادشاهان و گیرنده جان جباران و نابودکننده فرمانروایی فرعونیان (یعنی ملک الموت) است؛ کسانی چون پادشاهان ایران، روم، یمن، حمیر و آنان که ثروت بر روی ثروت نهادند و هم چنان بر آن افزودند و آنان که ساختند و استوار کردند و آراستند و زینت نمودند، ذخیره ساختند و به ظن و گمان خویش برای فرزند تدبیری اندیشیدند. فرشته مرگ همه اینان را به محل بازپرسی و حساب و جایگاه ثواب و عقاب روانه می‌کند.

همچنین در آغاز نامه ۱۰ خطاب به معاویه می‌نگارد:

چه خواهی کرد اگر از دنیایی که در آن هستی پرده‌ها کنار رود؟ دنیایی که با زینت‌هایش خود را آراسته و با لذت‌هایش فریب داده است.

«امام در این عبارات تشبیهات جالبی برای دنیا فرموده، زرق و برق دنیا را به لباس های رنگارنگی تشبیه کرده که در تن می پوشند و یا چادری که به سر می کشند. زینت های دنیا را فریبنده و لذت هایش را مایه جلب و جذب به سوی آن شمرده. هوس بازان و کسانی که از ماهیت دنیا بی خبرند، به زودی به سوی آن جلب می شوند و برای این که بتوانند به این زینت ها و لذات ادامه دهند، سربر فرمان دنیا می نهند و اوامرش را اطاعت می کنند» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۰).

همان طور که در چهار روایت فوق مشهود است، دنیا طلبی در نگاه اسلام اصیل به شدت مذمت شده و بر همین اساس هرگونه هنری که مبتنی بر این خصیصه ناپسند باشد و یا بر آن بیفزاید، نکوهیده است.

د) هنر عامل گناه و هوسرانی

یکی دیگر از زمینه های هنری که در کلام حضرت مورد شماتت قرار گرفته، مواردی است که با احکام دینی در تضاد است و سبب گناه و هوسرانی می شود. امیرالمؤمنین علیه السلام در حکمت ۱۰۴ می فرماید:

داود علیه السلام در چنین ساعتی از شب برخاست و گفت: اینک زمانی است که هر بنده ای در آن دعا کند، به اجابت خواهد رسید، مگر آن که دعاکننده باج گیری گزارشگر احوال و اخبار مردم به فرمانروای ظالم یا داروغه ستمگری نوازنده عرطبه (که همان طنبور است) یا نوازنده کوبه (یعنی طبل) باشد. «صاحب «عَرْطَبَه» و صاحب «کَوْبَه» اشاره به نوازندگانی است که آهنگ های مناسب مجالس لَهو و فساد و عیاشی و هوسرانی می نواختند» (مکارم شیرازی و همکاران).

بنابراین می توان دریافت که نوازندگان موسیقی حرام که برخلاف شریعت عمل می کنند، در تراز ظالمان و عوامل حکومت های فاسد و ظالم قرار گرفته و به نوعی طرد شده اند.

نتیجه گیری

در این پژوهش با تکیه بر هشت روایت از گفتار و نوشتار امام علی علیه السلام در نهج البلاغه که در معانی و مفاهیم مرتبط با هنر - طبق تعریف و کارکرد امروزی آن - به مذمت و نفی و نهی از آن پرداخته بودند، تلاش شد تا دیدگاه ایشان در خصوص هنر ناپسند تبیین و

تحلیل گردد و چارچوبی کلی برای نبایدهای هنر در تمدن نوین اسلامی مطرح شود. براین اساس مشخص گردید که چهار دسته هنر ناپسند در این روایات قابل استنباط است؛

۱. هنری که نمایانگر و دست آویز تکبر و غرور و فخر فروشی باشد، که در این زمینه به خطبه ۱۹۲ و رفتار فرعون با حضرت موسی و هارون علیه السلام اشاره شد که فرعون به دلیل نداشتن دستبند طلا - به عنوان نماد طبقه ثروتمندان و صاحب منصبان - و پوشش ساده و فقیرانه شان، این دو فرستاده خدا را تحقیر نمود؛

۲. هنری که فریب دهنده و گمراه کننده باشد و باطل را شبیه به حق جلوه دهد. در این خصوص نیز خطبه ۱۹۴ پیرامون شیوه منافقان در آراسته کردن عمل زشت و نمایش واژگونه آن در ادبیات و رفتار و همچنین نامه ۷ با موضوع پاسخ به ادبیات منافقانه معاویه ذکر گردید؛

۳. هنری که مایه دنیا طلبی و دلبستگی به دنیا باشد که چهار روایت از نهج البلاغه برای آن بیان گردید. روایت اول به خطبه ۱۲۸ و معماری و تزئینات بنا و زیباسازی شهر بصره با زمینه دنیا طلبی و عدم توجه به فرودستان می پرداخت و نابودی و بی ارزشی آن را خاطرنشان می کرد. روایت دوم از خطبه ۱۶۰ انتخاب شده بود که سبک زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و دوری ایشان از زینت و زیور دنیا را یادآور می شد و به نهی ایشان از آویختن پرده ای با نقش و نگار موجودات زنده اشاره می کرد. روایت سوم بخشی از نامه ۳ خطاب به شریح قاضی بود که عاقبت کار پادشاهان پر قدرت را تبیین می کرد که بناهای استوار ساختند و تزئین کردند، اما چیزی برای خودشان باقی نماند. روایت چهارم نیز نامه ۱۰ و هشدار حضرت به معاویه درباره پایان یافتن دنیای پراز زینت و تجملات او بود؛

۴. هنری که برخلاف شرع و عامل گناه باشد که در این مورد نیز حکمت ۱۰۴ به نقل از حضرت داود علیه السلام مطرح شد که نوازندگان موسیقی حرام را در ردیف عوامل حکومت های فاسد قرار داده بود و دعای آنان را غیر مستجبات و عمل شان را تقبیح کرده بود.

این چهار دسته هنر مذموم، از کلام کسی استخراج شده است که شاگرد بی واسطه حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و شاهد نزول وحی و بیان احکام و اجزاء و ابعاد آن بوده و سخنش بیانگر رویکردهای دین مبین اسلام است. لذا با این دستاورد، می توان ملاک و معیاری برای سنجش هنرها و آثار هنری در تمدن نوین اسلامی به دست آورد و آنها را با

ترازوی دیدگاه امام علی علیه السلام سنجید.

شاید با این عینک لازم باشد یک بار دیگر بسیاری از آثار قلمرو اسلام که ذیل عنوان هنر اسلامی مشهور شده‌اند، مورد ارزیابی واقع شوند که چه میزان با دیدگاه اسلام همخوانی دارند. هم‌چنین برای این مبنا می‌توان چارچوب کلانی را طبق نبایدها و ناهنجاری‌های عرصه هنر در تمدن نوین اسلامی تعریف کرد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن ابی الحديد، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، مصر، دار احیاء الکتب العربیه.
- بحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم، شرح نهج البلاغه ابن میثم (مصباح السالکین)، ترجمه: قربانعلی محمدی مقدم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۲.
- البهنسی، عفیف، هنر اسلامی، ترجمه: محمود پورآقاسی، تهران، انتشارات سوره مهر، سوم، ۱۳۹۱.
- پورمختار، صدیقه، «ضرورت گفتمان هنری در تمدن نوین اسلامی»، مجموعه مقالات سومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شاهد، ۱۳۹۶.
- حاجی قاضی استرآبادی، مریم؛ جعفری، محمد مهدی؛ دلشاد تهرانی، مصطفی، «جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در نهج البلاغه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و حدیث، رشته علوم حدیث، گرایش نهج البلاغه، ۱۳۸۸.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تاریخ مراجعه ۱۳۹۰/۱۱/۱۰ نشانی: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22405>
- _____، بیانات در دیدار جمعی از شعرای آئینی، ۱۳۹۰/۳/۲۵، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تاریخ مراجعه ۱۳۹۰/۱۱/۱۰ نشانی: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12727>
- دشتی، محمد، امام علی علیه السلام و علم و هنر، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۲.
- محدثی، جواد، امام علی علیه السلام و هنر، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۴.
- مقدم پور، ناصر، «تبیین ماهیت و ظاهر هنر اسلامی به عنوان عاملی موثر در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و جهانی شدن آن»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شاهد، ۱۳۹۴.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام امام امیرالمؤمنین (شرحی تازه و جامع بر نهج البلاغه)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
- _____، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.
- ناصریان خلیل آباد، اعظم؛ محمدی خرم آبادی، غلام محمد؛ صیانتی، حسن، «بررسی مولفه های تمدن سازی اسلامی در نهج البلاغه و آموزه های علوی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم سبزواری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، رشته الهیات و معارف اسلامی، گرایش علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۳.

